مراحل اساسی توسعه اجتماعی مبتنی بر آموزه های دینی با تاکید بر آیات و روایات

نوا بخش، مهرداد

چکیده:

از دیدگاه جامعه شناسى فرهنگ، هنگامى که بحث از توسعه، اهداف و

نهایتا راههاى منتج به آن-که در جوامع انسانى-مطرح مى‏شود، جهت‏گیریهاى علمى چند رشته‏اى در سنخ‏شناسى‏هاى گوناگون با ارائه مدلهاى تجربى و عمل‏گرا همواره با توجه به شکل و ساختار جوامع از منظرهاى فرهنگى خاص متجلى مى‏شوند.

هر چند ممکن است در هزاره سوم موضوعاتى از قبیل رشد توسعه، اشتغال، تکنولوژى و...از دیدگاههاى گوناگون بسیار زیاد مورد توفیق نظر قرار گرفته شده باشد، اما در مقاله حاضر سعى بر آن است که با در نظر گرفتن حوزه‏هاى خاص نهادینه شده در فرهنگ جامعه از جمله خانواده، آموزش و پرورش، گروههاى همسالان، رسانه‏هاى جمعى، و نقش هر کدام در هنجارهاى اجتماعى و نهایتا جامعه‏پذیرى و توسعه از طریق نقش‏آفرینان جامعه که همانا مردم مى‏باشند، با توجه به آموزه‏هاى معنوى الهى قرآن و حدیث مورد بررسى قرار مى‏گیرد.

واژه‏هاى کلیدى:

کمال‏جویى، توسعه اجتماعى، آموزه‏هاى دینى

مقدمه:

تاثیر و تاثرات فرهنگى و نقش‏آفرینى‏ها در یک انگاره 1 ، سیستمى که در راس آن حاکمیت نظام اجتماعى است، ارائه کننده و تزریق کننده منویات و اهداف 2 سیستمى، از طریق نهادها مى‏باشد.آژانس‏هاى جامعه‏پذیرى 3 و فرهنگ‏پذیرى 4 ، توسعه معنوى به افراد جهت رشد و پرورش، نهایتا آمادگى جهت ورود به نظام 5 تقسیم کار جدید-که مبتنى بر نیازهاى جامعه رو به رشد است-سرویس مى‏دهند.این امر از یکسو جایگاه نقش‏آفرینى افراد را در حوزه اجتماعى جوامع مشخص مى‏کند و از سوى دیگر برآورده کننده نیازهاى گوناگون و نهایتا تعادل بخش و همگون کننده تمام آحاد بشرى مبتنى بر جلوه‏هاى اعتقاد الهى مى‏باشد.و مطمئنا همین حوزه تعلیم و تربیتى است که مى‏تواند جوامع را بسوى همبستگى 6 ، همگرائى و انسجام رهنمون سازد در اعتقادات اسلامى براى یک مسلمان وابستگى بنیادى نه به وطن بلکه به امت یعنى به اجتماع مومنان است که همگى از نظر تسلیم بودن در برابر الله برابر و یکسانند.این برادرى جهانى از حد و مرز نهادهاى دولت‏ها که منبع تقسیم و تمایز مؤمنین قلمداد مى‏شود، فراتر مى‏رود. 7

به این منظور با مدد از احادیث و روایات، راه رشد و تکامل جوامع مورد بررسى قرار مى‏گیرد.

الف)هدف‏گذارى و کمال‏جوئى

همواره انسانها در گذر زندگى اجتماعى کمال‏جو و در پى آن هستند که به اهداف مورد توجه دسترسى پیدا کنند.نیازها راه روش‏هاى رسیدن به اهداف را مشخص و معین مى‏کنند و افراد را به کار و کوشش و تکاپو واداشته و روش زندگى او را معین مى‏کنند.در جریان این هویت‏بخشى ضرورى است که اهداف از پیش تعیین شده دقیقا مشخص باشد.آرمانهاى برتر و هدف‏هاى والاتر است که ضریب هویت فردى، رضایت‏مندى و نهایتا هویت اجتماعى را غنا مى‏بخشد حضرت على(ع)نقل کرده‏اند کهشرف انسان به همت‏هاى عالى اوست(سید رضى، )

(1)اهداف اساسى و عمیق مطمئنا انسان را در برابر شکست‏هاى احتمالى مقاوم مى‏کند. بنابراین بخش اعظم هویت‏بخشى فرد در جریان فرهنگ‏پذیرى، نقش‏پذیرى آگاهانه در جریان پویش تکامل هویت مى‏باشد.بى‏شک طرز نگرش به زندگى، راهها و اهداف آن در جهت غنى بخشى به زندگى، راههاى پرورش خلاقیت فردى و اجتماعى، بسیار موثر مى‏باشد.فرهنگ شیعى ما به اهداف عالى انسانها و جوامع انسانى بسیار اهتمام ورزیده است در این فرهنگ شناخت راه کمال که همان استقرار حکومت عدل الهى است از اصول همبسته کننده انسانها است.به قول حسن البنا رهبر موسس اخوان المسلمین:«قرآن قانون ماست، راهنماى ماست و (1)-Social system

(2)-Golas system

(3)-Socialization

(4)-Accultural

(5)-Divison of laber

(6)-Solidarity

(7)-Entegration

مرگ بر تعظیم.....بزرگترین آرزوى ماست.» 1

در روایت است که حضرت عیسى(ع)با حواریون بر مردار سگى گذشتند-حواریون گفتند چقدر بوى این مردار بد است.حضرت فرمود چقدر دندانهاى او سفید است.(نقل از امام خمینى، 314)

مثبت نگرى مقدمه و زمینه مثبت‏گرائى است، ابتدا باید خود را مبتنى بر تعالیم الهى و قبول آن به مثبت اندیشى وادار نمود تا نهایتا بتوان مثبت‏گرا بود.

(2)موقعیت سنجى و شناخت پایگاه اجتماعى

یکى از مفاهیم بسیار مهم در حوزه توسعه اجتماعى در علم جامعه‏شناسى شناخت موقعیت‏ها، پایگاهها، و منزلت‏ها، مى‏باشد.شرط مثبت اندیشى آحاد جامعه شناخت دقیق آنهاست.بدین ترتیب که ابتدا هر فرد موقعیت پایگاه(محول، محقق)خود را شناخته و قبول کند.در جایگاه خودش نقش‏آفرینى کند.که این امر هم در رشد فرد و هم تکامل جامعه و روند پویائى آن بسیار موثر مى‏باشد.مضمون کلامى از حضرت امام حسن مجتبى(ع)چنین است که هر کس را در جایگاه خود قرار دهید.(مشکینى، 160)

مطمئنا در جریان رشد و توسعه اجتماعى لازم است مبتنى بر جلوه‏هاى اجتماعى، تربیتى، اعتقادى، هر فرد و نهایتا هر گروه مورد شناسایى دقیق قرار گرفته و در جایگاه مطلوب و اثرگذار قرار گیرد.در غیر این صورت رکود و نهایتا اضمحلال نظام‏هاى اجتماعى قریب الوقوع مى‏باشد. در کلامى گهربارى از حضرت على(ع)آمده است که عامل سقوط دولت‏ها چهار چیز است.

1-فرو نهادن اصول(مسایل اساسى)

2-پرداختن به فروع(امور کم اهمیت و تشریفاتى)

3-پیش انداختن اراذل(فرومایگان)

4-کنار گذاشتن افاضل(پرمایگان و آگاهان)(آمدى، 450)

در جریان پویایى شناسى اجتماعى مبتنى بر دیدگاه اسلام در دو بعد فردى و اجتماعى، لازم است هم افراد جامعه نسبت به خود و جامعه و اهداف فردى و اجتماعى آگاهى داشته باشند، و هم به دنبال آن نظام اجتماعى مبتنى بر این دیدگاه با شناخت افراد جامعه و نیازهاى آن، واگذارى نقش مبتنى بر توانائیها راه رشد و توسعه را هموار سازند.در این تئورى با شناخت اهداف اساسى و شاخص قرار دادن عناصر اصلى و چارچوب اساسى جامعه که از جمله آن مى‏توان نهادهاى خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد و...را در مد نظر قرار مطمئنا دوام و بقاى تکامل جوامع تضمین و در صورت واگذارى نقش‏ها به شایستگان و افاضل مسلما روند رشد و گسترش جوامع تضمین مى‏گردد.

عوامل معنوى و اعتقادى چون در خمیر مایه رفتارى افراد و نهایتا جامعه نفوذ دارد بر خلاف سایر عوامل اجتماعى تنها تاثیرگذار نمى‏باشد، بلکه تضمین کننده و هدف‏بخش و توسعه بخشى درون‏زا در ملل دارد هر چند سنجه‏هاى دیگرى از جمله محلى‏گرائى، قومیت بخشى و حتى ملى‏گرائى نیز در وحدت اجتماعى، جوامع نقش دارند.همانطور که در تحلیل (1)-Hiro, Dilip)9891(Holy Wars: the Rise of Islamic Fundamentalism New Yourk: Routledge p63.

کوساکو یوشینو از ملى‏گرائى در ژاپن آورده شده:«ملى‏گرائى فرهنگى در صدد بازآفرینى اجتماع ملى از طریق ایجاد، حفظ یا تقویت هویت فرهنگى مردم در زمانى است که احساس شود این هویت فرهنگى وجود ندارد». 1

هنگامى ملل به انگیزه‏هائى چون ملى‏گرائى روى مى‏آورند که هویت فرهنگى، معنوى اصالت بخشى وجود نداشته باشد.از اینروست که مى‏توان اذعان داشت در جوامع اسلامى آمیزه‏هاى اعتقادى-معنوى مى‏توانند نقش تعیین کننده و محورى در آفرینش‏هاى پایدار همبستگى اجتماعى و توسعه درون‏گراى جوامع داشته باشند.

3-عشق به انسانها و احترام متقابل

در قرآن کریم آمده است که:«نیکى را هرگز در نمى‏یابید مگر از آنچه که دوست دارید، در راه خدا به دیگران انفاق کنید.(آل عمران، 93)

در روایات آمده است شبى پس از نماز در مسجد پیامبر(ص)یکى از مسلمانان که در میان جمعیت نشسته بود از جا برخاست و پیامبر(ص)عرض کرد من گرسنه‏ام پیامبر(ص)رو به اصحاب کرده و فرمود آیا کسى از شما حاضر است این مرد را امشب مهمان کند و او را اطعام نماید تنها کسى که از جا برخاست حضرت امیر المومنین(ع)بود که عرض کرد آرى یا رسول الله من او را به خانه خود برده و اطعام مى‏کنم.على(ع)با آن مرد رهسپار منزل شدند همین که به منزل رسیدند حضرت از همسر گرامیشان حضرت فاطمه زهرا(س)پرسید آیا چیزى در منزل هست که مهمان خود را اطعام کنیم؟حضرت زهرا(س)فرمود غذا فقط به مقدار کمى براى حسنین(ع)موجود است، حضرت زهرا(س)حسنین(ع)را گرسنه خواباندند و غذاى آنها را به مهمان خود بخشیدند و آیه ذیل در شان آنها نازل شد که:«آنها دیگران را بر نفس خود ایثار مى‏کنند هر چند خودشان در نهایت سختى باشند.(الحشر، 9)

رسول خدا(ص)فرمود:«کسى که صبح کند و براى امور و مسائل مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست»(پاینده، 599)در دین مبین اسلام تفوق و پیروزى انسان در گرو وفادارى به مجموعه پهناور دریاى انسانى وابسته به اقیانوس خروشان نظام حق مى‏باشد، از نظر مکتب رهایى بخش اسلام، انسانها براى رسیدن به اهداف باید قدرت دوست‏داشتنى واقعى و حتى ایثار و عشق به همنوع را سر لوحه رفتار قرار دهند.

در فرمایشات حضرت امام صادق(ع)آمده است:«کسى که برادر دینى خود را در گرفتارى ببیند و قدرت رفع گرفتارى‏اش را داشته باشد ولى اینکار را انجام ندهد به او خیانت کرده است. (نقل از محمد اشتهاردى، 167)

در جهان معاصر امروز نیز رویکرد دیدگاه مکانیکى و کارکردى به انسان در بسیارى از دیدگاههاى جامعه‏شناسى رایج گردیده است.بر اساس دیدگاههاى تفهمى در جامعه‏شناسى براى ارزیابى جوامع فقط در نظر گرفتن عوامل مجرد علوم اثباتى مکانیکى راهگشا نمى‏باشد، اتین ژیلسون در نقد تفکر فلسفى غرب بیان مى‏دارد«...این قبیل فلسفه‏ها از همان آغاز کار، زیر عنوان علم، که آن را تنها نوع معرفت عقلى مى‏دانستند، بعد الطبیعه را محکوم کردند، و همین کار باعث (1)-Yoshino, kosaku)4991(cultural Nationalism in contemporary Japan, London: Routledge P1.

شد که علم خود تسخیر یک عنصر غیر عقلانى شود».(تفضیل را ر.ک فروغى، 3/15 الى 20، ژیسون، 245)

در روش‏هاى ارزیابى اجتماعى، امروز توجه به انسانها، کنش‏هاى اجتماعى، گروههاى فعال و نهایت، پرداختن به بود انسانها بسیار موثر و مهم مى‏باشد و این در حالیست که بسیار عمیق‏تر و بنیانى‏تر از آن در مکتب انسان‏ساز اسلام بدان پرداخته شده است.مفاهیمى همچون شناخت، احترام و عشق به انسانها در تمامى آموزه‏هاى فردى-اجتماعى-مسلمانان مشهود و موثر مى‏باشد، منویاتى که اگر در جوامع رعایت شوند مطمئنا آن اجتماعات را به امیدوارى، رشد، توسعه و خوشبختى مى‏رساند.

نتیجه

با نگاهى گذرا به الگوهاى توسعه از دید اندیشمندان توسعه در مى‏یابیم که آموزش، پژوهش، سخت‏کوشى، جامعه‏پذیرى، فرهنگ‏پذیرى، حمیت گروهى، انسجام، هویت ملى، عزت نفس، اعتقاد به اصل و مبداء نیروبخش همواره از عناصر سازنده رشد و توسعه اجتماعى جوامع است.دقیقا در یک رویکرد تطبیقى مشخص مى‏شود که تمامى عناصر و ویژگى‏هایى که از اصول توسعه است بشکل مشخص و بسیار دقیقتر در مفاهیم اعتقادى دینى اسلام به صورت آشکارا و مشهود بدان اشاره شده است.مطمئنا در این مکتب قویترین سخن و اندیشه توجه به حقیقت خودى است.اقبال خودى را عبارت از ایجاد ارزش‏ها و ایده‏آلها و کوشش در راه تحقق بخشیدن به آنها تلقى مى‏کرد(حجازى، 23).

از خودى طرح جهانى ریختند

دلبرى با قاهرى آمیختند

پیکر هستى ز آثار خودى است

هر چه مى‏بینى از اسرار خودى است

وانمودن خویش را خوى خودى است

خفته در هر ذره نیروى خودى است

راه رشد و تکامل و توسعه جوامع از منظر اعتقادى، دینى پایه‏گذارى تمامى نهادها مبتنى بر اعتقادات اصیل الهى درون‏سازى دینى مى‏باشد.

تعامل کنش‏هاى متقابل افراد جامعه با یکدیگر در نگرش اندیشه دینى هنگامى تغییرپذیر است که دقیقا آموزه‏هاى دینى-اعتقادى-الهى در تمامى اعماق فرد و جامعه متجلى باشد.از دیدگاه روانشناسى اجتماعى هدف ایدئولوژى دینى ایجاد تصویرى از ذهن شخص است که احساس فردى و جمعى هویت را در او تقویت نماید.(شاملو، 67)

از آثار درونى و برونى پویش فرهنگ سازى دینى، احساس قصد و مسئولیت در قبال ارزش ها و تعهدات اجتماعى مى‏باشد، بسیارى از اندیشمندان تعهد را به عنوان سنگ بناى هویت دینى تلقى مى‏نمایند.

از نمونه‏هاى بارز فرهنگ‏پذیرى دینى را در تمدن اسلامى مى‏توان مشاهده کرد و ایتهد مطرح مى‏نماید:«مسلمانان خود، متمدن گشتند و دانش و ادب و فرهنگ را از سقوط قطعى نجات دادند.(همو، 245)

براى درک بهتر این واقعیت کافى است به این مطلب توجه شود که طبیعیت جاهلى عرب با ظهور اسلام و آموزه‏هاى اصلى آن در تمامى ارکان زندگى به طبیعت تمدن خواه مبدل شد.

آموزش و پرورش و فرهنگ‏پذیرى دینى معناى جدیدى به جهان مى‏بخشد(هانتینگتون، 153)مطمئنا پیوند جامعه پذیرى و فرهنگ پذیرى آحاد جامعه از زمان تولد تا دوران کهولت ‏موجب احساس همدلى-یگانگى-انسجام با جهان تلقى مى‏شود.چنین افرادى مطمئنا با طبیعت زیبا-ستارگان درخشان-کوهاى سترگ، تمام خوبیها احساس خویشاوندى، رضایت و لذت مى‏کنند و این مرحله بالاترین مرحله توسعه جوامع از دیدگاه دین نجات بخش اسلام مى‏باشد.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

منابع:

1-قرآن مجید

2-حجازى، فخر الدین، سرود اقبال، موسسه انتشارات بعثت، چاپ اوّل.

3-شاملو، سعید، مکاتب و نظریه‏ها، در روانشناسى شخصیت، انتشارات رشد.

4-موسوى خمینى، روح الله، شرح چهل حدیث(اربعین حدیث)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینى، چاپ نخست.

5-محمدى اشتهاردى، محمد، گفتار دلنشین(احادیث چهارده معصوم علیهم السلام)، چاپ انصاریان قم، چاپ اوّل.

6-مشکینى، على، نصایح، موسسه انتشارات الهدى، (بى‏تا).

7-وایتهد، آلفرد نورث، سرگذشت اندیشه‏هاترجمه دکتر عبد الحسین گواهی دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ اوّل.

8-هاید فردریک، تاریخ فلسفه تربیتى ترجمه على اصغر فیاض، چاپ اوّل.

9-هانتینگتون، ساموئلبرخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانىترجمه محمد على حمید رفیعى، دفتر پژوهش‏هاى فرهنگى، چاپ اول 1378.

1-Hiro, Dilip)9891(Holy Wars: the Rise of Islamic fundamentalism New York Routledge.

2-Oumlil Ali)2991(Eslamet etat national, casablana editions fennec

3-Yoshino kosaku)4991(cultural Nationalism in contemporary Japan Lonlon:Routledge.